

منافع ملی در سیاست خارجی داوود خان و تأثیر آن در بی ثباتی نیم قرن اخیر افغانستان

لعل محمد دوراندیش

عضو کادر علمی پوهنځی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون دعوت

dorandish.1396@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0004-9297-5477>

چکیده

افغانستان از شمار کشورهای است که تا اکنون خلاف دیدگاه واقع گرایی، منافع ملی تعریف شده در سیاست خارجی خود ندارد و نگاهی با رویکرد سنتی و قبیله‌ای به سیاست خارجی و منافع ملی همواره افغانستان را در معرض بحران‌های کلان به خصوص بحران‌ها و جنگ‌های نیم قرن پسین بعد از سرنگونی جمهوری محمد داوود خان قرار داده است. با توجه به این، مقاله کنونی به تحلیل و بررسی منافع ملی در سیاست خارجی داوود خان و تأثیر آن بر تحولات نیم قرن پسین افغانستان تمرکز کرده است. تحقیق کنونی بر محور این سؤال انجام شده است: «منافع ملی در سیاست خارجی محمد داوود خان چگونه تعریف می‌شود و چه تأثیری بر تداوم جنگ در افغانستان داشت؟» فرضیه مطرح چنین بود که جایگاه مبهم منافع ملی افغانستان در سیاست خارجی داوود خان، این کشور را وارد جنگ و بی ثباتی دوام‌دار کرد. این تحقیق از نوع تحقیق تاریخی-تحلیلی بوده و اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای به دست آمده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تعریف نامشخص از منافع ملی در سیاست خارجی محمد داوود خان و وابسته‌سازی افغانستان به روسیه و سپس تغییر سیاست خارجی افغانستان خلاف منافع روسیه، سرنگونی رژیم داوود، تهاجم اتحاد جماهیر شوروی و تسلط کمونیسم بر افغانستان، تداوم رقابت‌های روسیه-امریکا در افغانستان، شکل‌گیری احزاب مخالف کمونیسم در بیرون از کشور و تأثیر آن بر تداوم جنگ‌های نیابتی در افغانستان پس از پیروزی مجاهدین و ایجاد فرصت‌های مداخله و تهاجم امریکا و تداوم جنگ تا اکنون را به همراه داشت.

کلیدواژه‌ها: منافع ملی، سیاست خارجی، رویکرد سیاسی، محمد داوود خان، جنگ، افغانستان.

Abstract

Contrary to the viewpoint of realism, Afghanistan is one of the countries that until now does not have defined national interests in its foreign policy. traditional and tribal approach to foreign policy and national interests has always exposed Afghanistan to major crises, especially the crises and wars of the past half century after the overthrow of The Republic of Mohammad Dawood Khan has placed. Considering this, the current article analyzes and examines the national interests in Dawood Khan's foreign policy and its impact on the developments of the last half century. The current research focuses on this question: "How is national interest defined in Mohammad Dawood Khan's foreign policy and what effect did it have on the continuation of the war in Afghanistan?" « The proposed hypothesis was that the vague position of Afghanistan's national interests in Dawood Khan's foreign policy brought this country into war and lasting instability. This research is a historical-analytical research and the information obtained using the library method. The findings of this research show that the unclear definition of national interests in Mohammad Dawood Khan's foreign policy and Afghanistan's dependence on Russia and then the change of Afghanistan's foreign policy against Russia's interests, the overthrow of Dawood's regime, the invasion of the Soviet Union and the dominance of communism in Afghanistan, the continuation of Russia-US rivalry. In Afghanistan, the formation of anti-communist parties outside the country and its impact on the continuation of proxy wars in Afghanistan after the victory of the Mujahideen and the creation of opportunities for American intervention and invasion and the continuation of the war until now.

Keywords: national interests, foreign policy, political approach, Mohammad Dawood Khan, war, Afghanistan

Dawat Academic Journal

Fourth Year, Issue

9 (Winter 2024)

Received: 2024-01-10

Accepted: 2024-03-18

مقدمه

بدون شک عمده‌ترین مؤلفه مورد توجه در سیاست خارجی کشورها، منافع ملی بازیگران عرضه روابط بین‌الملل می‌باشد؛ یعنی منافع ملی پدیده‌ای است که مسیر سیاست خارجی کشورها را در روند بازی‌های بین‌المللی سمت و سو می‌دهد و ضامن ثبات دایمی آنان می‌باشد. از سوی دیگر می‌توان تأکید نمود که ظهور و زوال ملت‌ها در عرصه ملی و بین‌المللی منوط به چگونگی تعریف آنان از منافع ملی است. منافع ملی از آن جایی مهم پنداشته می‌شود که بازتاب‌دهنده اراده همه‌گانی و اهداف ملی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ملت‌ها و دولت‌ها در روابط ملی و بین‌المللی است. از سویی هم راهبردهای داخلی و خارجی یک ملت، در روشنایی منافع ملی تعریف و تبیین می‌شود. (دهزاد ۱۴۰۰: ۱۳۳) از این رو، حکومت‌های ملی منافع ملی‌شان را طوری تعریف می‌کنند که از یک طرف قادر به دوام حاکمیت‌شان باشد و از سوی دیگر تداوم ثبات سیاسی را در جامعه تضمین کنند. (خدا دادی، ۱۳۳: ۱۸۱) هم چنان حکومت‌های ملی و مشروع که پشتی‌بانی مردمی دارند، تلاش‌های خود را در صحنه‌های سیاسی دنیا طوری به کار می‌گیرند که بتوانند به منافع ملی در کشورشان دست پیدا کنند؛ اما برعکس حکومت‌های غیردموکراتیک که نگاه سنتی و قبیله‌یی به منافع ملی و سیاست خارجی دارند، نمی‌توانند ثبات دایمی در کشور خود را تضمین کنند. اگر این مسأله را در تاریخ سیاسی معاصر افغانستان به خصوص افغانستان پسا داوود خان بررسی کنیم، این کشور با وجود داشتن روابط سیاسی دیرینه با سایر کشورهای دنیا در سطح بین‌الملل، ثبات دوام‌دار نداشته و همواره درگیر جنگ‌های داخلی بوده و پس از هر تحول و تغییرات، کشور دچار بحران‌های بیشتر شده است.

روند تازه بی‌ثباتی افغانستان پسا جمهوری داوود خان به ادامه قدرت متمرکز و سنتی و غیر توسعه‌محور شاهی، از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ آغاز شد که سقوط جمهوریت، کشته شدن محمد داوود خان و نیز در مدت کوتاه تجاوز اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان و حاکمیت سخت‌گیرانه ایدئولوژی کمونیسم را به همراه داشت و بیشتر از چهار دهه می‌شود که این

کشور جنگ و تحولات ناگواری را تجربه می‌کند. این تحولات بر ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و عرصه‌های مختلف زندگی جامعه و کشور تأثیر منفی گذاشته است. به همین مناسبت لازم دیده شد تا به تبیین رابطه میان بحران‌های افغانستان پسا محمد داوود خان و تعریف جایگاه منافع ملی در رویکرد سیاست خارجی او - چه در زمان صدارتش و چه در زمان جمهوریتش - پرداخته شود؛ بنابراین، در تحقیق کنونی تمرکز نویسنده بر این است که نقش منافع ملی در سیاست‌های خارجی محمد داوود خان و تأثیر آن بر جنگ‌های نیم قرن پسین در افغانستان را بررسی و تحلیل کند. از سوی دیگر، بازخوانی سیاست خارجی محمد داوود خان و نقش آن در تحولات پسین، ضرورت اساسی تاریخ سیاسی افغانستان بوده و می‌تواند در آسیب‌شناسی و برچیدن ریشه‌های بحران افغانستان نقش داشته باشد. بنابراین، تحقیق کنونی بر محور این پرسش می‌چرخد منافع ملی در سیاست خارجی محمد داوود خان چگونه تعریف می‌شود و چه تأثیری بر تداوم جنگ در افغانستان داشت؟ فرضیه مطرح در پیوند به این سؤال چنین است: جایگاه مبهم منافع ملی افغانستان در سیاست خارجی داوود خان، این کشور را وارد جنگ و بی‌ثباتی دوام‌دار کرد. متغیرهای مستقیم قابل توجه در این تحقیق جایگاه مبهم منافع ملی و تغییر رویکرد سیاست محمد داوود خان و از سوی دیگر متغیر غیرمستقیم در این تحقیق جنگ و بحران نیم قرن اخیر افغانستان است. این تحقیق از نوع تحقیق تاریخی-تحلیلی بوده و اطلاعات آن به شیوه کتاب‌خانه‌یی به دست می‌آید که پس از طرح چارچوب نظری، تمرکز بیشتر در این تحقیق بر سر مسأله تأثیر چگونگی سیاست خارجی محمد داوود خان در میان دو قدرت بزرگ (روسیه و آمریکا) و کشورهای هم‌پیمان آنان در منطقه بر تداوم جنگ و بحران در افغانستان تا سال ۲۰۲۱ می‌باشد.

پیشینه تحقیق

دوره حکومت‌داری محمد داوود خان و جنگ‌های متداوم افغانستان پسا محمد داوود خان، از موضوع قابل بحث محققان بوده و آثار زیادی در زمینه وجود داشته و بخش مهمی

منافع ملی در سیاست خارجی داود خان و تأثیر آن در بی ثباتی نیم قرن اخیر در افغانستان / ۶۳

از کتاب‌های تاریخی و سیاسی افغانستان را تشکیل می‌دهد. اینجا به گونه نمونه به چند اثر اشاره می‌شود:

- تاریخ معاصر افغانستان (یادداشت‌ها و برداشت‌ها) اثری است از محمد آصف آهنگ که این اثر تاریخی در سال ۱۳۹۹ از طریق نشر واژه به بازار عرضه شد. نویسنده در این کتاب نگاه انتقادی به آثار تاریخی افغانستان داشته و دوره حکومت‌داری محمد داوود خان و جنگ‌های پس از او، یکی از بحث‌های مهم آن به شمار می‌رود.

- سیاست خارجی افغانستان، اثری است از عبدالقیوم سجادی که در سال ۱۳۹۹ توسط دانشگاه خاتم النبیین به دست نشر سپرده شده است. نویسنده این کتاب سیاست خارجی افغانستان به خصوص دوران محمد داوود خان را مبتنی بر نظریه سازه‌نگاری مورد تحلیل قرار داده است.

- جزوه درسی تاریخ معاصر افغانستان اثر پوهاند داکتر حبیب پنجشیری، استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه کابل، در بهار ۱۴۰۰ به نشر رسیده است. نویسنده در این کتاب یک بخش را به دوره محمد داوود خان اختصاص داده که مسأله را به گونه کیستی بازتاب داده و به چیستی نگاه سیاسی در دوره محمد داوود خان و تأثیر آن بر جنگ‌های پسین نپرداخته است.

- افغانستان در سده بیستم (از عبدالرحمن خان تا کرزی) اثری است از داکتر صاحب‌نظر مرادی که در سال ۱۳۹۴ از طریق انتشارات سعید به نشر رسیده است. در این اثر نگاهی انتقادی به کج‌روی‌های سیاسی محمد داوود خان صورت گرفته است؛ اما مشخصاً نویسنده روی تأثیر کج‌روی‌های سیاسی او بر جنگ‌های چهار دهه پسین نپرداخته است.

- جایگاه محمد داوود خان در تاریخ نوین افغانستان، کتاب دیگری است از اکادمیسین اعظم سیستانی که این اثر در سال ۱۳۹۵ از طریق «دانش نشراتی تولنه» در کابل به نشر رسیده است. نویسنده همه قضایای افغانستان، به خصوص دوران محمد داوود خان و پسا

محمد داوود خان را با دقت و تاریخوار تحریر داشته است؛ اما نویسنده این اثر به نحوی سیاست‌های داوود را تأیید کرده است.

تحقیقات و آثار موجود در این خصوص با وجود داشتن برجستگی‌های فراوان، اولاً با نگاه تاریخی-توصیفی نگاشته شده است، نه تحلیلی. در گام دوم، به تأثیر تعریف نا مشخص منافع ملی در سیاست خارجی محمد داوود خان بر جنگ‌های پسین نپرداخته‌اند. از این رو تحقیق کنونی به تبیین این مسأله با استفاده از رویکرد تاریخی-تحلیلی پرداخته است.

الف: تعریف مفاهیم و چارچوب نظری

۱. تعریف مفاهیم

سیاست خارجی

سیاست دولت‌ها اصولاً یا به امور داخلی مربوط می‌شود یا به امور بین‌المللی. اصطلاح سیاست خارجی در مقابل امور داخلی به کار می‌رود. در خصوص سیاست خارجی به تعریف‌های زیادی بر می‌خوریم، بدون اینکه این تعریف‌ها تفاوت مفهومی داشته باشند و تقریباً همه آن‌ها به یک مفهوم اشاره دارند؛ اما از میان آن‌ها تعریف زیر کامل‌تر و روشن‌تر به نظر می‌رسد: «سیاست خارجی عبارت است از خط مشی و روشی که دولت در برخورد با امور و مسائل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت و منافع خود اتخاذ می‌کند». (منصوری، ۱۳۶۵: ۱۱) یا به تعبیر دیگر سیاست خارجی عبارت از مجموعه‌ای از خط مشی‌ها و تصمیماتی است که یک دولت در برخورد با مسائل خارجی در چهارچوب اهداف کلی حاکم بر نظام سیاسی‌اش اعمال می‌کند. (خدادادی، ۱۳۸۱: ۱۳۱)

تعریف منافع ملی

اصطلاح منافع ملی از ترکیب دو واژه «منافع» و «ملی» تشکیل شده است که هر کدام از آن‌ها به نوبه خود از گستردگی معنایی زیاد برخوردار است. اصطلاح منافع ملی بسیار دیرتر از ایجاد دولت‌های ملی در اروپا در قرن ۱۸ به طور معمول مروج شد و کاربرد پیدا کرد. (ف، هرمند: ۱۰/۳۱۰۲/afghan-german) اما پیش از اینکه بحث منافع ملی وارد

منافع ملی در سیاست خارجی داود خان وتأثیر آن در بی ثباتی نیم قرن اخیر در افغانستان / ۶۵

ادبیات سیاسی شود، حس منفعت طلبی همواره در نسل بشر وجود داشته و دارد که یا به شکل فردی و یا به شکل جمعی قابل بحث است. با وجود این، منافع ملی به آن دسته از منافع جمعی تلقی می شود که دولت ها به عنوان یک مجموعه و به نمایندگی از ملت های شان در روابط خود با سایر کشورها در پی تحقق آن هستند. از دید «مورگنتا» حداقل منافع ملی یک کشور عبارت است از تأمین امنیت و حمایت از هویت فیزیکی (سرزمینی)، سیاسی و فرهنگی کشور در مقابل تهدید و مخاطرات دیگر دولت ها. او به عنوان یکی از بزرگترین نظریه پردازان رئالیسم، اعتقاد دارد که منافع ملی معیاری همیشگی و دائمی است که به وسیله آن اقدام سیاسی سیاستگذاران باید مورد قضاوت قرار گیرد و اهداف سیاست خارجی نیز باید در قالب منافع ملی تعریف شود. (حیدر پیری و پریسا دهقانی، ۱۳۹۷: ۱۶۳)

۲. چارچوب نظری

چارچوب نظری این تحقیق مبتنی بر نظریه سازه‌انگاری در نظر گرفته شده است. البته نگاهی از دریچه این نظریه به جایگاه منافع ملی در سیاست خارجی محمداوود خان و تأثیر آن بر چهار دهه جنگ در افغانستان، نگاهی انتقادی است و تعریف منافع در رویکرد سیاست محمداوود خان به نقد کشیده می شود؛ یعنی با استفاده از این نظریه به این مسأله پرداخته خواهد شد که نگاه غیرواقع بینانه محمداوود خان و - عدم توجه به افکار و دیدگاه اقشار مختلف افغانستان - به منافع ملی و سیاست خارجی او، افغانستان را دچار بحران دوام دار کرده است.

نظریه سازه‌انگاری

عموماً نرم‌ها و هنجارهای رفتاری کشورها از طریق مبانی سازه‌انگارانه در سطح بین‌الملل قابل ابراز است که پس از مقبولیت در جامعه بین‌المللی و پذیرش هنجارها از طریق سازمان‌های بین‌المللی، به کشورها منتقل می‌گردد. براساس رویکرد سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل، سیاست خارجی کشورها ناشی از تصورات ملت‌هاست که بر مبنای ارزش‌های مادی و معنوی شکل گرفته و این مبانی در قالب رفتارهای ملی تبلور یافته و در نهایت منافع

ملی را رقم می‌زند؛ بنابراین منافع ملی یک برساخته اجتماعی است که در آن مبانی فرهنگی و ارزشی جایگاه مهمی دارد. نگاه سازنده‌گرایی از این جهت مهم است که نگاه تحولی و معنایی ویژه به سیاست خارجی کشورها را مطرح کرده و برای فرهنگ جایگاه مهمی در روابط بین‌الملل قائل است. (گوزینی، استفانو، سوگانامی، لیتل، والتز و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۸۹)

سازه‌انگاران هم‌چنین از طریق رهیافت هویت، مفهوم نقش (بازیگران نقش) را تحلیل می‌کنند. به عبارتی، هر هویت خاصی که یک کشور برای خود تعریف می‌کند، یک نقش ملی معین را ایجاب می‌نماید که خود منافع خاصی را در بر می‌گیرد و منافع دیگری را نیز مستثنا می‌سازد... (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۴۳-۴۶) به باور الکسندر ونت، یکی از نظریه‌پردازان و طرف‌دار نظریه سازه‌انگاری، ساختار بین‌المللی به دلیل هستی‌شناسی معناگرایانه به مثابه نوعی توزیع انگاره‌ها (عوامل ذهنی و معنایی) پدیده‌ای است اجتماعی و عنصر مادی نقشی ثانویه دارد و از آن جایی که ساختار هر نظام اجتماعی شامل سه عنصر (شرایط مادی، منافع و انگاره‌ها) است، این عناصر باهم در ارتباط هستند؛ به‌طوری که بدون انگاره‌ها منافع نیست، بدون منافع شرایط مادی معناداری وجود ندارد و بدون شرایط مادی اصلاً واقعیتی وجود ندارد. در این راستا باورها و انتظاراتی که دولت‌ها در مورد یکدیگر دارند، ماهیت زندگی بین‌المللی را تعیین می‌کند و این امر عمدتاً منجر به بنیان اجتماعی و شناخت مشترک می‌شود. (لزرجانی و دهشیری، ۱۳۹۷: ۴۳)

نظریه سازه‌انگاری ذهن ما را به این سمت می‌کشاند که سیاست خارجی محمد داوود خان را در چارچوب این نظریه آزمون نماییم که تا چه تصورات شهروندان در خصوص منافع ملی در سیاست خارجی داوود خان دخیل بوده و چقدر مسایل تنوع قومی و زبانی در این خط مشی سیاسی در نظر گرفته شده است تا بتواند منافع ملی در کشور را تضمین نماید.

منافع ملی در سیاست خارجی داود خان وتأثیر آن در بی ثباتی نیم قرن اخیر در افغانستان / ۶۷

جایگاه مبهم منافع ملی افغانستان در سیاست خارجی محمداوود

اگر منافع ملی ستاره رهنمای سیاست خارجی است، در نبود این ستاره رهنما، مسیر و جهت‌گیری سیاست خارجی با سرگردانی و حیرت روبه‌رو خواهد بود. انتظار یک سیاست خارجی هدفمند، تأثیرگذار و فعال در نظامی موجه است که منافع ملی به صورت روشن تعریف شده و محورهای اساسی آن مورد توافق رژیم حاکم، اپوزیسیون، احزاب و نهادهای مدنی قرار داشته باشد. در جامعه‌ای که بر سر محورهای اساسی و خطوط منافع ملی توافق نظر میان نخبگان سیاسی وجود نداشته باشد، سیاست خارجی با چالش‌های جدی روبه‌رو بوده (سجادی، ۱۳۹۷: ۲۶۸) و بحران‌های پسین را در کشور در پی خواهد داشت. از این رو اگر بخواهیم از مفهوم «منافع ملی» برای درک سیاست خارجی کشورهای مختلف استفاده کرده و هم‌چنین از این مفهوم برای واکاوی و ارزش‌یابی خط مشی‌های خارجی کشور خودمان بهره بگیریم، باید قبل از هر چیزی در تدقیق مفهوم و ابهام‌زدایی از آن بکوشیم که واقعاً هدف از منافع ملی در سیاست خارجی کشورها چیست. طوری که در تعریف منافع ملی مطرح است، هدف از منافع ملی در سیاست خارجی، تأمین امنیت ملی کشور، توسعه همه‌جانبه (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی)، حفظ و تقویت ارکان هویت‌بخش، کسب و ارتقای منزلت و جایگاه راهبردی برای کشور در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی (علی‌رضا علوی تبار، 30.11.2021، iran emrooz.net) استوار بودن سیاست خارجی بر مبنای نگاه ملی، حل منازعات و جدال داخلی و... است.

متأسفانه منافع ملی در افغانستان از سالیان درازی بدین سو کج رقم خورد و تعریف ناشده و در پرده ابهام باقی مانده است. دلیل مبهم بودن آن ریشه در حکومت‌های غیر مردمی و وابسته دارد؛ یعنی اراده سیاسی اکثریت مردم در امر چگونگی ایجاد حکومت‌ها در این سرزمین، هیچ‌گاهی وجود نداشته است. (دهزاد، ۱۴۰۰: ۱۳۴) با توجه به آنچه مطرح شد، منافع ملی در رویکرد سیاست خارجی افغانستان در زمان حکومت‌داری محمداوود خان چه در دوره صدارت و چه در دوره جمهوریت، مبهم و بی‌سرنوشت بود. سیاست داخلی و خارجی او همواره دارای ماهیت تباری بوده و سیاست خارجی کشور نیز علاوه بر تأثیرپذیری از دیگر

عوامل خلاف منافع ملی، از ساختار سنتی و قبیله‌ای قدرت سیاسی متأثر بود (سجادی، ۱۳۹۷: ۳۰) که نمی‌توانست تمثیل‌کننده منافع ملی باشد.

او زمانی هم که به سمت امریکا و روسیه دست همکاری دراز کرد، هدفش تضعیف پاکستان به منظور ایجاد پشتونستان بود. این سیاست منافع ملی را در این کشور به شدت آسیب زد. این سیاست محمد داوود خان به خصوص در دوره صدارتش، مهم‌ترین هدف سیاست خارجی او به شمار می‌رفت که برعکس، او برای امنیت، اقتصاد و رفع مشکلات اجتماعی که تأمین‌کننده منافع ملی است، برنامه واضح نداشت. او با این رویکر می‌خواست تا موقفش در داخل خانواده سلطنتی محفوظ باشد. (آهنگ، ۱۳۹۹: ۳۱۴)

رویکرد سیاست خارجی داوود خان و چالش‌های ناشی از آن

۱. وابسته‌سازی افغانستان به شوروی

وابستگی افغانستان در زمان صدارت محمد داوود خان به اتحاد جماهیر شوروی، از آنجا آغاز شد (فرهنگ، ۱۳۶۷: ۴۶۲) که داوود خان سیاست ستیزه‌جویانه در مقابل پاکستان در دوران صدارتش به روی دست گرفت. مخالفت جدی محمد داوود خان با تصمیم پاکستان در ۲۷ مارچ ۱۹۵۵ مبنی بر ایجاد صوبه‌های پاکستان زیر عنوان پاکستان غربی در یونیت واحد به منظور به وجود آوردن موازنه میان پاکستان شرقی و غربی و تظاهرات تاریخ ۱۰ حمل ۱۳۳۴ در شهر کابل و حمله بر سفارت پاکستان و پایین کشیدن بیرق سفارت این کشور و آتش زدن آن، پاکستان را دشمن افغانستان ساخت. در نتیجه آن، روابط بین اسلام‌آباد و کابل برهم خورد و پاکستان توانست افغانستان را در سطح بین‌الملل کشوری متعرض معرفی کند. بناءً با داغ شدن قضیه پشتونستان و دوام دشمنی با پاکستان، راه‌های بازرگانی افغانستان بسته شد و روابط پاکستان و افغانستان برهم خورد. به خاطر جبران آن، سردار محمد داوود خان قراردادی را درباره ترانزیت مال التجاره از طریق اتحاد جماهیر شوروی با این کشور امضا کرد و در ماه اسد ۱۳۳۴ از طرف شورای ملی تصویب شد و شاه آن را توشیح نمود؛ اما این کار به دلیل نبود شاهراه و مصارف بلند ترانسپورتی و گیر ماندن کالاهای تجارتي در پاکستان، عدم صادرات محصولات

منافع ملی در سیاست خارجی داود خان وتأثیر آن در بی ثباتی نیم قرن اخیر در افغانستان / ۶۹

تجارتی و بند ماندن ماشین آلات مربوط به کارخانه جات، برعکس کشور را با مشکل جدی روبه‌رو کرد. (آهنگ، ۱۳۹۹: ۱۲۴-۳۲۳) به این خاطر محمد داود خان از روسیه طالب کمک‌های زیاد شد. با دریافت کمک‌های زیاد از روسیه، کشور در عرصه نظامی کاملاً وابسته به روسیه شد و با آن سیلی از مشاوران روسی به افغانستان سرازیر شدند. علاوه‌تأ تربیت نظامی صدها محصل در آموزشگاه‌های شوروی و حضور مشاوران روسی در قطعات نظامی اردوی افغانستان برای بیش از بیست سال متواتر، به کلی نیروهای مسلح افغانستان، اردو و قوای هوایی را تغییر شکل داد.

این تغییر در کشوری عقب‌مانده مانند افغانستان، نقش تعیین‌کننده به اتحاد جماهیر شوروی داد و از نگاه استخباراتی افغانستان را در بعد نظامی، اداری و استخباراتی در کنترل خود قرار داد. مطابق داده‌های منابع اطلاعاتی شوروی در زمان جمهوریت محمد داود خان، در سال ۱۹۷۷ KGB ۷۲ اجنت و ۹۰ مخبر از میان اتباع شوروی و ۱۵ اجنت و ۱۹ مخبر دیگر از میان کارشناسان نظامی در خدمت داشت. تعداد اجنت‌ها و چگونگی گسترش آن‌ها میان کسانی که آماج حمله استخبارات قرار داشتند، این امکان را به دست می‌داد تا همه محلات شوروی‌نشین زیر پوشش استخباراتی قرار داده شود. (صاحب نظر مرادی، ۱۳۹۴: ۳۰۶) با وجود تلاش‌های ظاهرشاه برای بهبود مناسبات با پاکستان و کاهش نفوذ شوروی، جهت‌گیری جدید برای افغانستان دیگر بسیار دیر هنگام و حتا ناممکن بود. حزب دموکراتیک خلق با استفاده از فضای باز سیاسی دهه دموکراسی ظهور کرد و حتا تلاش‌های موسی شفیق، آخرین نخست‌وزیر شاه (۱۹۷۲-۱۹۷۳) برای کاهش اتکا بر شوروی با شکست مواجه شد. (محمد قاسم عرفانی: ۲۶ دسامبر ۲۰۱۶-bbc)

در این خصوص نگاه داوود خانه به منافع مبهم بود. از یک سو رابطه متخاصم با پاکستان با وجود داشتن فرصت‌ها و تهدیدهای مشترک مرزی در خصوص تأمین ثبات و امنیت در منطقه و داغ ساختن موضوع پشتونستان با نگاه قومی به نفع افغانستان نبود. این رویکرد هم منافع مرزی را به تهدید مواجه ساخت و هم تلاش داوود خان به منظور تأمین

منافع قومی بود نه ملی. افغانستان یک کشور متشکل از اقوام مختلف می‌باشد و رویکرد سیاست خارجی می‌باید طوری طرح شود که منافع اقشار مختلف مورد توجه باشد. از سوی دیگر داشتن روابط خارجی یک امر ضروری است تا جای که کشورهای طرف فرصت مداخله و تصمیم‌گیری را در امور داخلی نداشته باشند؛ اما وابسته‌سازی مطلق کشور به یکی از قدرت‌های بزرگ، منافع ملی را مورد تهدید جدی قرار می‌دهد؛ دولت پیرامون مکلف است که منافع طرف را کاملاً رعایت نماید.

بدون شکر سیاست خارجی نامتوازن سردار محمداوود خان و تعریف وارونه از منافع ملی در دوران صدارتش، سبب شد که افغانستان یک‌باره در انحصار حزب دموکراتیک خلق و اتحاد جماهیر شوروی قرار بگیرد و نیز نارضایتی مردم از رژیم بالا بگیرد (آهنگ، ۱۳۹۹: ۴۳۴) یعنی محمداوود خان با بازگشت به قدرت به‌عنوان رئیس‌جمهور (۱۹۷۳-۱۹۷۸) در صدد کنترل کامل قدرت برآمد و تغییر عمده در سیاست خارجی افغانستان نسبت به پاکستان و سایر کشورهای منطقه به وجود آورد. او در دوران جمهوریتش این وضع را به نفع خود نمی‌دید؛ چون سیاست خارجی افغانستان را در معرض بی‌اعتمادی و بی‌باوری غرب و امریکا قرار می‌دید. از جانب دیگر، سیاست داخلی و اعضای حکومت وی را بیش از پیش تحت نفوذ روسیه قرار می‌داد. (سجادی، ۱۳۹۷: ۱۸۴)

به این ترتیب به نظر می‌رسید که احساسات سنتی محمداوود خان در دوره جمهوریتش فروکش کرده بود و نظر به مشوره برادرش تصمیم گرفت تا در سیاست خارجی خود تجدید نظر کند؛ بدین معنا که بایستی روابط خود را با همسایگان خود ایران و پاکستان بهبود بخشد و از شوروی فاصله گرفته به امریکا نزدیک‌تر شود (سیستانی، ۱۳۹۳: ۶۹)

۲. سقوط جمهوری و تسلط کمونیزم داوود

داوود خان با این تغییر رویکرد در سیاست خارجی بدون سنجش جنبه‌های مختلف آن، زمینه نابودی خود و حاکمیت آیدئولوژی کمونیزم در افغانستان را توسط شوروی و افسران تحصیل کرده در شوروی که تحت تأثیر تفکر کمونیزم بود، مساعد ساخت؛ یعنی تغییر رویکرد

منافع ملی در سیاست خارجی داود خان وتأثیر آن در بی ثباتی نیم قرن اخیر در افغانستان / ۷۱

سیاست خارجی محمد داوود خان و موقف داخلی او در برابر سران حزب دموکراتیک افغانستان، اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان را وادار ساخت تا تصمیم نابودی حکومت داوود را روی دست بگیرند. آن‌ها برای انجام یک کودتا فرصتی خوب را پیدا کردند؛ چون حزب دموکراتیک خلق افغانستان حمایت همه‌جانبه شوروی را داشت و اکثریت آنان در مسکو تحصیل کرده بودند. از سوی دیگر، در همه ساختارهای افغانستان به‌خصوص ساختار امنیتی و اداری نفوذ کرده بودند. سرانجام به تاریخ ۷ ثور ۱۳۵۷ حزب دموکراتیک خلق افغانستان دست به کودتا زد و با سرنگونی رژیم جمهوری داوود و قتل و قتل زیاد افراد و همکارانش (مرادی، ۱۳۹۴: ۳۲۴) رژیم مستبد و افراطی کمونیزم بر سرنوشت افغانستان حاکم شد. با وجود اینکه او درک درستی از نفوذ روس‌ها و حزب دموکراتیک خلق افغانستان در داخل حکومت و اردو نداشت، نمی‌خواست باور کند آنانی که قدرت را به او داده‌اند، توان سرنگونی‌اش را نیز دارند. (آهنگ، ۲۳۹۹: ۴۳۷) از سوی دیگر در نتیجه این تغییر رویکرد، محمد داوود خان به پیشنهاد دولت‌های غربی به دو اقدام مهم باید دست می‌زد: یکی تصفیه پرچمی‌ها و خلقی‌ها و سایر گروه‌های چپی و دیگری تغییر در روابط خارجی. چنین تغییری در قدم اول باعث اتحاد خلق و پرچم به منظور سقوط محمد داوود خان شد (سیستانی، ۱۳۹۱: ۸۱)

۳. حاکمیت حزب دموکراتیک خلق و آغاز فصل جدید بی ثباتی

تسلط حزب دموکراتیک خلق افغانستان با ایدئولوژی کمونیزم، سرآغاز تشدید جنگ در افغانستان پسا محمد داوود خان محسوب می‌شود. شکل‌گیری فرایند جهاد در برابر تفکر کمونیزم و اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی، فصل تازه‌ای از بی ثباتی را در کشور به وجود آورد که خود زمینه‌ساز مشکلات دیگر بود. بدون شک جهاد بر حق و مشروع مردم افغانستان با تسلط کمونیزم و اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی، شدت پیدا کرد و نیز فرصت‌های پیش‌آمده زمینه را طوری مساعد ساخت که امریکا و روسیه به خاطر رفع تهدید منافع‌شان در منطقه، افغانستان را به یکی از عرصه‌های رقابت

جهانی خویش تبدیل کردند. این رقابت از اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی آغاز و تا سرحد هجوم سخت نظام ادامه یافت. (سجادی، ۱۳۹۷: ۱۸۹)

۴. ایجاد زمینه‌های رقابت بلاک شرق و غرب در افغانستان

اشتباه دیگر محمداوود خان این بود که او بایک چرخش زود هنگام و گرایش و تماس با کشورهای همسایه، کشورهای عربی و ایالات متحده و علاقه‌مند ساختن آنان به افغانستان، سرنوشت سیاسی این کشور را به بحران کشاند و بازی‌های قدرت‌های بزرگ در افغانستان را وارد مرحله تازه نمود. در سال ۱۹۷۶ هنری کسینجر، وزیر خارجه ایالات متحد آمریکا، از کابل دیدن کرد و از پیشنهادات محمداوود خان پستی‌بانی نمود. شاه ایران به‌عنوان هم‌پیمان امریکا نیز برای محدودسازی نفوذ شوروی تلاش می‌کرد. بدین منظور شاه ایران به محمداوود خان پیشنهاد کمک یک بلیون دالری را داد و وعده سپرد که در سال ۱۹۷۵ این رقم را دوچند (دو بلیون دالر) می‌کند. (سجادی، ۱۳۹۷: ۱۸۷) این رویکرد باعث تقابل دو قدرت بزرگ در افغانستان شد و هر دو کشور فعالیت‌های اسخباراتی خود را در کشور گسترش دادند.

در این رقابت کشورهای غربی، متحدان عرب و به‌ویژه پاکستان، بدون شک که در پیکار خود بر ضد اتحاد شوروی از افغانستان استفاده ابزاری کردند و جهاد مردم این کشور را یک جنگ نیابتی ساختند؛ جنگی که در جریان آن کشورهای غربی و در رأس آن ایالات متحده آمریکا و کشورهای عربی با متولیت پاکستان به‌گونه منظم به تشویق، سازمان‌دهی، شیوع و تعمیق افراطیت پرداختند. (سپنتا، ۲۹ حمل ۱۳۹۷، *8am.media*) تداوم تعارض قومی، تهاجم اتحاد جماهیر شوروی و شکل‌گیری اختلافات مرزی با پاکستان به منظور ایجاد پشتونستان که عمده‌ترین دغدغه محمداوود خان بود، یکی دیگر از چالش‌های نزدیک به نیم قرن اخیر افغانستان است که همواره امنیت و ثبات در این کشور را متأثر ساخته است و هنوز هم این تعارض وجود دارد.

نتیجه‌گیری

سردار محمداوود خان به‌عنوان بانی جمهوریت در افغانستان دو دوره حکومت‌داری را در این کشور تجربه کرده است. در دوره اول از طرف شاه به‌حیث صدراعظم (۱۹۵۳ -

منافع ملی در سیاست خارجی داود خان وتأثیر آن در بی ثباتی نیم قرن اخیر در افغانستان / ۷۳

۱۹۶۳) برگزیده شد و در دوره دوم در سال ۱۳۵۲ طی کودتایی، نظام شاهی را سرنگون و خود را به حیث رئیس جمهور اعلام کرد. او در دوره صدارتش قضیه پشتونستان را خلاف توجه به منافع ملی به شدت پی گیری و با پاکستان روابط سیاسی را قطع کرد که نارضایتی ایالات متحده امریکا را در پی داشت. از سوی دیگر، در آن دوره با اتحاد جماهیر شوروی روابط گرم گرفت و افغانستان را کاملاً وابسته این کشور ساخت. او در دوره جمهوریت سیاست پشتونستان خواهی اش را فروکاست و خواست با پاکستان، ایران و کشورهای عربی هم پیمان ایالات متحده امریکا روابط دوستی برقرار کند و روابطش را با اتحاد جماهیر شوروی کاهش بدهد. در نتیجه، جمهوریت محمد داود خان توسط حزب دموکراتیک خلق به رهبری تره کی و حمایت روسیه طی کودتایی در ۷ ثور ۱۳۵۷ سرنگون شد و قدرت به چپی ها تعلق گرفت و افغانستان وارد بحران های طولانی مدت شد که پیامدهای ناگواری داشت.

بناءً یافته ها و نتایج این بررسی کتابخانه ای نشان می دهد که منافع ملی در سیاست خارجی محمد داود خان مسیر مبهمی را پیموده و سیاست خارجی دشمنی با پاکستان و وابستگی افغانستان به روسیه به دلیل هم پیمان بودن پاکستان با ایالات متحده به عنوان مخالف و رقیب جدی روسیه، دو قدرت بزرگ در افغانستان در تقابل هم قرار داد که آسیب های شدیدی بر پیکر این کشور وارد کرد. عمده ترین چالش های تغییر سیاست خارجی محمد داود خان در افغانستان را می شود سرنگونی رژیم داود، تهاجم اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان، تسلط ایدئولوژی کمونیسم، تبدیل شدن افغانستان به میدان رقابت امریکا و روسیه، شکل گیری احزاب مخالف کمونیسم در بیرون از کشور و تأثیر آن بر تداوم جنگ های نیابتی در افغانستان پس از پیروزی مجاهدین، تقویت زمینه های بنیادگرایی و سرانجام ایجاد زمینه های مداخله و تهاجم امریکا بر افغانستان و تداوم جنگ بیست ساله افغانستان پس از ۲۰۰۱ و... دانست.

سرچشمه‌ها

- آهنگ، محمدآصف (۱۳۹۹) تاریخ افغانستان (یادداشت‌ها و برداشت‌ها)، کابل: نشر واژه.
- احمد بخشایشی، اردستانی (۱۳۸۵) اصول علم سیاست، چ ۴، انتشارات آوای نور.
- پنجشیری، حبیب (۱۴۰۰)، تاریخ معاصر افغانستان، چ ۳، کابل: انتشارات سیدحسب‌الله.
- خدادادی، محمداسماعیل (۱۳۸۱)، مبانی علم سیاست، تهران: انتشارات یاقوت.
- درخشنده، مریم؛ دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۷) چندجانبه‌گرایی فرهنگی؛ الگویی تعاملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران «فصل‌نامه مطالعات میان فرهنگی»، سال سیزدهم، شماره ۳۶.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳) لغت‌نامه دهخدا، ج ۸، انتشارات دانشگاه تهران.
- دهزاد، عبدالمنان، (۱۴۰۰) جایگاه منافع ملی در دولت‌های مدرن (با تأکید بر افغانستان پس از ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۰) «مجله علمی-تحقیقی دعوت»، سال دوم، شماره ۳ و ۴.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹)، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس، «فصل‌نامه سیاست»، دوره ۴۰، شماره ۴.
- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۹۷) سیاست خارجی افغانستان، کابل: نشر دانشگاه خاتم النبیین.
- سیستانی، محمداعظم (۱۳۹۳) مقدمه‌ای بر کودتای ۷ ثور و فجایع ۸ ثور در افغانستان، چ ۲، نشر آموزش ایران، درگوتنبرگ سویدن.

منافع ملی در سیاست خارجی داود خان وتأثیر آن در بی ثباتی نیم قرن اخیر در افغانستان / ۷۵
- فرهنگ، میر محمد صدیق (۱۳۶۷)، افغانستان در پنج قرن اخیر، پشاور: انتشارات
انجنیر احسان الله مایار.

- گوزینی، استفانو، سوگانامی، لیتل، والتز و دیگران (۱۳۹۰) نظریه روابط بین الملل:
پیشینه و چشم انداز، ترجمه: عبدالعلی قوام، سید احمد فاطمی نژاد و سعید شکوهی، نشر قومس.
- مرادی، صاحب نظر (۱۳۹۴)، افغانستان در سده بیستم (از کرزی تا عبدالرحمن)،
کابل: انتشارات سعید.

- منصوری، جواد (۱۳۶۵)، نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران:
انتشارات امیر کبیر.

وبسایت‌ها

- فوهرمند، منافع ملی و شناخت آن در دایره‌های کوچک، وبسایت افغان جرمن
آنلاین، تاریخ نشر: ۱۰/۱۰/۱۳۹۲ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۱۳ قابل دریافت در:

<http://www.afghan-german.de>

- علی رضا علوی تبار، منافع ملی و سیاست خارجی، نشر (۳۰/۱۱/۲۰۲۱) دریافت ۷
جون ۲۰۳ قابل دریافت در:

<https://www.iran-emrooz.net/index.php/politic2/more/95480/>

- سپنتا، ۱۳۹۷، در آستانهٔ چهلمین سال جنگ و ویرانی پیشنهادی برای بی طرفی
افغانستان، نشر ۲۹ حمل ۱۳۹۷، دریافت ۱۷ جوزای ۱۴۰۲ قابل دریافت در:

<https://8am.media/a-proposal-for-the-neutrality-of-afghanistan>

- دستگیر نائل، ۱۳۹۳، پشتونستان خواهی، عامل تباهی افغانستان، تاریخ نشر:
۱۳۹۳/۹/۷، تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۲۰، قابل دریافت در:

۷۶ / مجله علمی - دعوت / سال چهارم، شماره نهم خزان و زمستان ۱۴۰۲ هـ ش ۱۴۴۵ هـ ق

<https://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=2815>

- فرید یونس، سردار محمد داوود: مختصری از اشتباهات و بدبختی افغانستان، تاریخ

نشر: ۱۲ آبان ۱۴۰۰، تاریخ دریافت: ۲۷ جوزای ۱۴۰۲ هـ ش، قابل دریافت در:

<https://jawedan.com/1400/22925>

- محمد قاسم عرفانی، بازخوانی سیاست خارجی افغانستان؛ ۳۷ سال پس از تهاجم

شوروی، تاریخ نشر: ۲۶ دسامبر ۲۰۱۶، تاریخ دریافت: ۲۰۲۳/۵/۶، قابل دریافت در:

<https://www.bbc.com/persian/afghanistan-38435011>